

خوانده‌شده برای رنج و زحمت و وجد و شادی: جهت بار جاودانی جلال

دوم قرن تیان ۴:۷-۱۸

لیکن این خزینه را در ظروف خاکی داریم تا برتری قوت از آن خدا باشد نه از جانب ما. در هر چیز زحمت کشیده ولی در شکنجه نیستیم. متحیر ولی مأیوس نی. تعاقب کرده شده لیکن نه متروک. افکنده شده ولی هلاک شده نی. پیوسته، قتل عیسی خداوند را در جسد خود حمل می‌کنیم تا حیات عیسی هم در بدن ما ظاهر شود. زیرا ما که زنده‌ایم، دائماً به خاطر عیسی به موت سپرده می‌شویم تا حیات عیسی نیز در جسد فانی ما پدید آید. پس موت در ما کار می‌کند ولی حیات در شما. اما، چون همان روح ایمان را داریم به حسب آنچه مکتوب است: «ایمان آوردم، پس سخن گفتم»، ما نیز چون ایمان داریم، از این رو، سخن می‌گوییم. چون می‌دانیم او که عیسی خداوند را برخیزانید ما را نیز با عیسی خواهد برخیزانید و با شما حاضر خواهد ساخت، زیرا که همه چیز برای شما است تا آن فیضی که به وسیله بسیاری افزوده شده است شکرگزاری را برای تمجید خدا بیفزاید. از این جهت، خسته‌خاطر نمی‌شویم، بلکه هرچند انسانیت ظاهری ما فانی می‌شود، لیکن باطن، روز به روز، تازه می‌گردد. زیرا که این زحمت سبک ما، که برای لحظه‌ای است، بار جاودانی جلال را برای ما زیاده و زیاده پیدا می‌کند. در حالی که ما نظر نمی‌کنیم به چیزهای دیدنی بلکه به چیزهای نادیدنی، زیرا که آنچه دیدنی است زمانی است و نادیدنی جاودانی.

آیه ۱۶ مطلبی را خاطرنشان می‌سازد که همگان خواهان تجربه نمودنش هستند. پولس می‌گوید: «خسته‌خاطر نمی‌شویم، بلکه هرچند انسانیت ظاهری ما فانی می‌شود، لیکن باطن، روز به روز، تازه می‌گردد.» در این آیه چیزی وجود دارد که هیچ‌کس آن را نمی‌خواهد و چیزی وجود دارد که همه خواهانش هستند.

آنچه هیچ‌کس نمی‌خواهد و آنچه همه می‌خواهند

هیچ‌کس نمی‌خواهد دلسرد شود. هیچ‌کس به کلیسا نمی‌رود تا بگوید: «امیدوارم خواندن سرودها و گوش سپردن به موعظه مرا یاری رسانند که دلسرد شوم. امروز، واقعاً می‌خواهم با کلام واعظ دلسرد گردم.» حتی یک نفر از شما چنین چیزی نمی‌گوید. هیچ‌کس نمی‌خواهد حس و حال زندگی کردن از او گرفته شود، همان‌طور که پولس هم این را نمی‌خواست.

برعکس، همه خواهان این هستند که باطنشان روز به روز تازه گردد. همه ما می‌دانیم که احساساتی چون حس قوی بودن و تازگی و امید و شادابی و شهامت و شور و شوق برای زندگی، اندک زمانی، باقی است و دیری نمی‌پایید که همگی تحلیل روند. اگر می‌خواهیم در باطن قوی باشیم و از امید و شادی و سرچشمه‌ای برای محبت ورزیدن برخوردار باشیم، باید که روز به روز تازه شویم. ما این را می‌دانیم. زندگی راکد و ایستا نیست. زندگی فراز و نشیب دارد. ما از حس زندگی سرشار می‌گردیم، حسمان تحلیل می‌رود، دوباره پر از حس زندگی می‌شویم. تازه می‌گردیم، تحلیل می‌رویم، دوباره تازه می‌شویم و دوباره تحلیل می‌رویم و دوباره تازه می‌شویم. همه ما خواهان قدرتی هستیم که بتوانیم تازه شویم. هیچ‌کس نمی‌خواهد در وادی تحلیل رفتن و تهی بودن و دلسردی و ناامیدی باقی بماند. اگر برای قوی شدن و امیدوار شدن و شادمان شدن و با محبت شدن دوباره و دوباره و روز به روز رازی وجود دارد، ما علاقه‌مندیم که به آن راز پی ببریم.

دو واژه مهم: «از این جهت» و «زیرا»

در این آیات، دو واژه وجود دارند که باید به آنها توجه نماییم. واژه «از این جهت» در ابتدای آیه ۱۶ و واژه «زیرا» در ابتدای آیه ۱۷. چرا این دو واژه از اهمیت برخوردارند؟

آیه ۱۶ رأس مثلث است

آیه ۱۶ رأس یک مثلث فرض می‌کنیم که بر پایه دو ضلع دیگرش استوار است. خواسته قلبی ما را نیز همین دو ضلع پابرجا نگاه می‌دارند: «خسته‌خاطر نمی‌شویم . . . لیکن باطن، روز به روز، تازه می‌گردد.» امروز، همه ما خواهان این هستیم، خواهان اینکه قادر باشیم این حقیقت را بر زبان آوریم و گفته‌مان از صمیم قلب باشد.

آیه ۱۶: خسته‌خاطر نمی‌شویم . . . لیکن، روز به روز، تازه می‌گردیم.

آیات ۷-۱۵ آن ضلعی است که رأس را استوار نگاه می‌دارد

واژه «از این جهت» در ابتدای آیه به این معنا است که پولس از قبل مطلبی را بیان کرده که او را به تجربه آیه ۱۶ رسانده است و آن را پشتیبانی می‌نماید: او می‌گوید آنچه در آیات ۷-۱۵ عنوان شد «حقیقت دارد، حقیقت دارد، حقیقت دارد.» «از این جهت، خسته‌خاطر نمی‌شویم . . . از این جهت، روز به روز، تازه می‌گردیم.» پس اولین ضلع این مثلث حقیقت آیات ۷-۱۵ است که به این تجربه ختم شده است و آن را پشتیبانی می‌نماید. این حقیقت باید توجه ما را به خود جلب نماید و پیگیر مفهومش باشیم، شاید که برای ما نیز کاربرد داشته باشد!

آیات ۱۷-۱۸ ضلع دیگر مثلث است که رأس را استوار نگاه می‌دارد

واژه «زیرا» در ابتدای آیه بعدی (آیه ۱۷) به این معنا است که پولس می‌خواهد مطلبی را عنوان کند که دلیلی برای آیه ۱۶ می‌باشد: «خسته‌خاطر نمی‌شویم . . . و روز به روز تازه می‌گردیم.» زیرا (به این دلیل که) آنچه بیان شد حقیقت دارد، حقیقت دارد، حقیقت دارد. بنابراین، دومین ضلع مثلث حقیقت عنوان شده در آیات ۱۷-۱۸ می‌باشد که تجربه‌ای را که پولس شرح داده بود پشتیبانی می‌نماید.

پس اکنون می‌توانید این مهم را درک نمایید؟ آنچه ما در آرزوی تجربه کردنش به سر می‌بریم در رأس این مثلث قرار گرفته است و دو ضلع آن را استوار نگاه می‌دارند. از آنجایی که آیات ۷-۱۵ حقیقت محض می‌باشند: «از این جهت، خسته‌خاطر نمی‌شویم، بلکه، روز به روز، تازه می‌گردیم.» این یک ضلع است و همچنین «خسته‌خاطر نمی‌شویم، بلکه، روز به روز، تازه می‌گردیم»، زیرا آیات ۱۷-۱۸ حقیقت دارند.

از این رو، قصد ما این است که دو ضلع این مثلث را بررسی نماییم تا ما را نیز همان حقیقتی حفظ گرداند که پولس را حفظ نموده بود.

آیه ۱۶ در میانه رنج و زحمت رخ می‌نمایاند

اما نخست این مهم را به طور مختصر از نظر می‌گذرانیم: آیه ۱۶ تصدیق می‌کند که دلسرد نشدن و روز به روز تازه گشتن در میانه رنج و زحمت رخ می‌نمایاند. «خسته‌خاطر نمی‌شویم، بلکه هرچند انسانیت ظاهری ما فانی می‌شود، لیکن باطن، روز به روز، تازه می‌گردد.» پولس می‌دانست که روزی هم عمر خودش و هم عمر همه به پایان خواهد رسید. او رنجها و زحمات عظیمی را متحمل گشته بود و در آن رنجها و زحمات زوال و تحلیل زندگی زمینی‌اش را شاهد بود. کم نبودند ضعفها و بیماریها و صدمات و سختیها و فشارها و درماندگیها و ناامیدی‌هایی که با آنها مواجه گشته بود و هر یک از آنها در زوال زندگی جسمانی‌اش سهمی داشتند. اشاره پولس به این نکته که «موت در او کار می‌کرد» (آیه ۱۲) طریقی برای بیان همین حقیقت بود.

و به این منظور است که می‌گوید: «خسته‌خاطر نمی‌شویم . . . همواره تازه می‌گردیم.» پس پرسشی که اکنون به راستی برایمان مطرح است این نیست که «چگونه می‌توانم در زندگی دلسرد نگردم؟» و «چگونه می‌توانم روز به روز تازه گردم؟» پرسش اینجا است که «چگونه می‌توانم بدون دلسرد شدن برای رنج و زحمت آماده گردم؟» «چگونه می‌توانم فرسودگی جسمم و زوال زندگی زمینی‌ام را بپذیرم و در عین حال دلسرد نگردم، بلکه در باطن، روز به روز، شاداب و قوی شوم و با شادی و سرشار از محبت، تا پایان، ادامه دهم؟»

حال، آماده‌ایم پاسخ پولس را به این پرسش مشاهده کنیم. ابتدا، آیات ۷-۱۵ و سپس ۱۷-۱۸ را بررسی می‌نماییم.

آیات ۷-۱۵: چهار دلیل برای دلسرد نگشتن

در آیات ۷-۱۵، دست‌کم، چهار دلیل ارائه شده است که پولس را به آنجا می‌رساند تا بگوید: «از این جهت، خسته‌خاطر نمی‌شویم.» هر یک از این دلایل به گونه‌ای به زوال زندگی زمینی‌اش اشاره می‌کنند. او هرگز این بینش را از دست نمی‌دهد که انسانی فانی است که عمرش سپری گشته است و روزی به پایان می‌رسد. پس او در این آیات نشان می‌دهد که با وجود اینکه انسانیت ظاهری‌اش فرسوده گشته و رو به زوال است، اما حقیقت چیز دیگری است.

۱. جلال یافتن قدرت خدا و پسر خدا

نخست اینکه، اگرچه انسانیت ظاهری پولس فرسوده می‌گشت، در این رنج و زحمت و از طریق این رنج و زحمت، قدرت خدا و حیات پسر خدا جلوه‌گر می‌شدند و جلال می‌یافتند.

آیه ۷: «این خزینه را در ظروف خاکی داریم [انسانیت ظاهری، ضعیف، و رو به زوال] تا برتری قوت از آن خدا باشد نه از جانب ما.» از این جهت، خسته‌خاطر نمی‌شویم . . . زیرا قدرت خدا در ضعف ما نمایان می‌گردد.

آیه ۱۰: «پیوسته، قتل عیسی خداوند را در جسد خود حمل می‌کنیم [این جنبه دیگری از فرسوده شدن انسان ظاهری است] تا حیات عیسی هم در بدن ما ظاهر شود.» از این جهت، خسته‌خاطر نمی‌شویم . . . زیرا حیات پسر خدا در زوال روزمره ما نمایان می‌گردد.

آیه ۱۱: «زیرا ما که زنده‌ایم، دائماً، به خاطر عیسی به موت سپرده می‌شویم تا حیات عیسی نیز در جسد فانی ما پدید آید.» از این جهت، خسته‌خاطر نمی‌شویم . . . زیرا حیات پسر خدا در بدنهای رو به زوال ما آشکار گشته است و جلال می‌یابد.

بنابراین، هرچند انسانیت ظاهری پولس فرسوده می‌شد، نخستین دلیلش برای دلسرد نگشتن این بود که قدرت خدا و حیات پسر خدا در ضعف و در مرگ روزمره‌اش به خاطر دیگران جلال می‌یافت و این چیزی بود که پولس بیش از هر چیز دیگری دوست می‌داشت.

۲. قوت یافتن کلیسا

دوم اینکه، اگرچه انسانیت ظاهری پولس فرسوده می‌گشت، در این رنج و زحمت و از طریق این رنج و زحمت، حیات از او به کلیسا منتقل می‌گشت. مسیحیان با ضعیف شدن پولس قوت می‌یافتند.

آیه ۱۲: «پس موت در ما کار می‌کند ولی حیات در شما.» از این جهت، خسته‌خاطر نمی‌شویم . . . زیرا نه فقط خدا جلال می‌یابد، بلکه شما عزیزانم نیز حیات و قوت و امید می‌یابید.

آیه ۱۵: «زیرا که همه‌چیز برای شما است تا آن فیضی که به وسیله بسیاری افزوده شده است [از طریق رنج و زحمت پولس برای آنها] شکرگزاری را برای تمجید خدا بیفزاید.» از این جهت، خسته‌خاطر نمی‌شویم . . . زیرا [و توجه کنید که آیه ۱۵ به چه صورت دو دلیل اول را کنار هم قرار می‌دهد]، در خدمت رنج و زحمت من، به شما فیض رسیده و خدا جلال یافته است. این دو مهم امور مورد علاقه پولس در زندگی‌اش بودند: فیض رساندن به دیگران و جلال دادن خدا. این آیه خاطر نشان می‌سازد که این دو مهم با تجربه‌ای یکسان عملی خواهند گشت. از این جهت، پولس دلسرد نمی‌گشت.

۳. حضور خدا، حضوری که نگهدارنده است

سوم اینکه، اگرچه انسانیت ظاهری پولس فرسوده می‌گشت، در این رنج و زحمت و از طریق این رنج و زحمت، خدا او را حفظ می‌نمود و نمی‌گذاشت مغلوب گردد.

آیات ۸-۹ (توجه کنید در هر یک از نکاتی که پولس بدان اشاره می‌کند، در واقع، می‌گوید: آری، انسانیت ظاهری ما فرسوده می‌شود، ولی خیر دلسرد نمی‌گردیم): «در هر چیز زحمت کشیده ولی در شکنجه نیستیم. متحیر ولی مأیوس نی. تعاقب‌کرده شده لیکن نه متروک. افکنده‌شده ولی هلاک‌شده نی.» از این جهت، خسته‌خاطر نمی‌گردیم . . . زیرا خدا ما را حفظ می‌نماید و نمی‌گذارد مغلوب گردیم.

۴. رستاخیز ما از مردگان

چهارم اینکه، اگرچه انسانیت ظاهری پولس فرسوده می‌گشت، با کلیسا و با عیسی از مردگان قیام می‌نمود.

آیه ۱۴: «می‌دانیم او که عیسی خداوند را برخیزانید ما را نیز با عیسی خواهد برخیزانید و با شما حاضر خواهد ساخت.» از این جهت، خسته‌خاطر نمی‌شویم . . . زیرا همه‌چیز رو به راه خواهد بود و حتی مرگ نیز پایانی غم‌انگیز نخواهد بود. من دوباره زیست خواهم نمود و با شما که دوستان دارم زیست خواهم نمود و با عیسی زیست خواهم نمود و تا ابدالابد در جلالش شریک خواهم بود.

از این جهت . . . این ضلع اول مثلث است (آیات ۷-۱۵) که آن تجربه عظیم دلسرد نگشتن بلکه روز به روز تازه شدن را استوار نگاه می‌دارد.

۱. من تازه می‌گردم، زیرا قدرت خدا و حیات پسر خدا در ضعف رو به زوال من آشکار می‌گردند و جلال می‌یابند.

۲. من تازه می‌گردم، زیرا با رنج و زحمت من حیات به کلیسایی که بسیار دوستش می‌دارم منتقل می‌گردد.

۳. من تازه می‌گردم، زیرا خدا مرا در رنج و زحمتم حفظ می‌نماید و نمی‌گذارد مغلوب گردم.

۴. من تازه می‌گردم، زیرا می‌دانم که با شما و با عیسی از مردگان خواهم برخاست و تا ابدالابد با هم زیست خواهیم نمود.

از این جهت، دلسرد و خسته‌خاطر نمی‌گردم!

آیات ۱۷-۱۸: چهار دلیل برای دلسرد نگشتن

حال، ضلع دیگر مثلث یعنی آیات ۱۷-۱۸ را بررسی می‌نماییم. این همان ضلعی است که تجربه عالی پولس در آیه ۱۶ را استوار نگاه می‌دارد. او خسته‌خاطر نمی‌شود و روز به روز تازه می‌گردد، زیرا آیات ۱۷-۱۸ حقیقت محض هستند. باز هم پولس با وجود انسانیت ظاهری رو به زوالش و با وجود ضعف و بیماری و صدمات و سختیها به چهار دلیل دلسرد نمی‌گردد.

۱. زحمت لحظه‌ای

او خسته‌خاطر نمی‌گردد، زیرا رنج و زحمتی که متحمل می‌گردد برای لحظه‌ای است.

آیه ۱۷: «زیرا که این زحمت سبک که لحظه‌ای است . . .» این لحظه‌ای بودن به این معنا نیست که زحماتش فقط شصت ثانیه دوام خواهند داشت، بلکه به این معنا است که این زحمات فقط محدود به طول عمر در این دنیا است (که این طول عمر در مقایسه با میلیونها دوران هزارساله صرفاً برای لحظه‌ای است). این لحظه‌ای بودن معنایی جز این ندارد. واژه «لحظه‌ای» به معنای «زمان حاضر» است، یعنی «رنج و زحمت حاضر»، رنج و زحمتی که محدود به زندگی کنونی ما است. من خسته‌خاطر نمی‌شوم . . . زیرا زحماتم پایان خواهند یافت. آنها در زندگی‌ام حرف آخر را نمی‌زنند.

۲. زحمت سبک

او خسته‌خاطر نمی‌شود، زیرا زحمتش سبک است.

آیه ۱۷: «زیرا که این زحمت سبک که لحظه‌ای است . . .» طرز فکر یک فرد آمریکاییِ امروزی و راحت‌طلب این نیست، این طرز فکر خودِ پولس است. او گفته‌اش در رسالهٔ دوم قرن‌تین ۱۱:۲۳-۲۷ را فراموش نکرده بود.

در محنتها افزون‌تر، در تازیانها زیادتر، در زندانها بیشتر، در مرگها مکرر. از یهودیان پنج مرتبه از چهل یک کم تازیان خوردم. سه مرتبه مرا چوب زدند. یک دفعه سنگسار شدم. سه کُرت شکسته‌کشتی شدم. شبانه‌روزی در دریا به سر بردم. در سفرها بارها، در خطرهای نهرها، در خطرهای دزدان، در خطرهای قوم خود و در خطرهای از امتها، در خطرهای در شهر، در خطرهای در بیابان، در خطرهای در دریا، در خطرهای در میان برداران کذب. در محنت و مشقت، در بی‌خوابی‌ها بارها، در گرسنگی و تشنگی، در روزه‌ها بارها، در سرما و عریانی. بدون آنچه علاوه بر اینها است، آن باری که هر روزه بر من است، یعنی اندیشه برای همهٔ کلیساها.

وقتی پولس می‌گوید زحمتش سبک است، منظورش این نیست که زحمتش آسان یا بدون درد است، بلکه منظورش این می‌باشد که رنج و زحمتش در مقایسه با آنچه پیش‌رو است هیچ است. آن زحمت، در مقایسه با بار جلال آینده، همچون پیر سبکند. «دردهای زمان حاضر نسبت به آن جلالی که در ما ظاهر خواهد شد هیچ است» (رومیان ۸:۱۸). من دلسرد نمی‌شوم . . . زیرا زحمتم سبکند.

۳. بار جاودانی جلال

پولس خسته‌خاطر نمی‌شود، زیرا رنج و زحمتش در واقع بار جاودانی جلال را برایش به ارمغان می‌آورند که با آن رنج و زحمت قابل قیاس نمی‌باشد.

آیه ۱۷: «زیرا که این زحمت سبک ما، که برای لحظه‌ای است، بار جاودانی جلال را برای ما زیاده و زیاده پیدا می‌کند.» آنچه پیش‌روی پولس قرار دارد لحظه‌ای نیست، بلکه ابدی است. سبک نیست، بلکه سنگین است. رنج و زحمت نیست، بلکه جلال است و با آن رنج و زحمت قابل قیاس نیست. آنچه خدا برای دوستداران خود مهیا نموده است چشمی ندیده و گوشی نشنیده است (اول قرن‌تین ۲:۹).

و نکته اینجا است که آن زحمت صرفاً مُقدم بر جلال نیستند، بلکه در به بار آوردن جلال نقش خود را ارائه می‌دهند. در واقع، میان چگونگی تحمل سختیها در زمان حاضر و اینکه چقدر قادر خواهیم بود که از جلال خدا در عصر آینده لذت ببریم رابطه‌ای علت و معلولی وجود دارد. حتی یک لحظه از صبورانه تحمل نمودن درد و رنج به هدر نمی‌رود. من خسته‌خاطر نمی‌شوم . . . زیرا همهٔ مشکلاتم بار جاودانی جلال را برابم به ارمغان می‌آورند که با آن رنج و زحمت قابل قیاس نمی‌باشد.

۴. جلال نادیده و ابدی که پیش‌رو است

پولس دلسرد و خسته‌خاطر نمی‌گردد، زیرا ذهنش را بر جلال نادیده و ابدی که پیش‌رو است متمرکز می‌نماید.

آیه ۱۸: «ما نظر نمی‌کنیم به چیزهای دیدنی بلکه به چیزهای نادیدنی.» شاید خدا همهٔ جلال موجود در عالم هستی را به شما ارزانی دارد تا شما را از دلسرد شدن حفظ نماید و جان شما را روز به روز تازه گرداند، ولی، اگر به آن جلال چشم ندوزید، هرگز از آن بهره‌مند نخواهید شد.

دعوت سخاوتمندانهٔ خدا

در اصل، این کاری است که خدا اکنون در این موعظه به انجام می‌رساند. این آیات دعوتی سخاوتمندانه از جانب خدا برای شما است تا همهٔ دلایلی را که چرا نباید دلسرد شوید از نظر بگذرانید، همهٔ دلایلی که چرا می‌توانید روز به روز تازه گردید.

- بنگرید! قدرت خدا و حیات پسرش در ضعف شما نمایان می‌گردند.
 - بنگرید! حیات عیسی، از طریق رنج و زحمت شما، به زندگی دیگران منتقل می‌گردد.
 - بنگرید! خدا شما را در زحماتتان حفظ می‌نماید و نمی‌گذارد تلف شوید.
 - بنگرید! زحمات شما در زندگی‌تان حرف آخر را نمی‌زنند. شما با عیسی و با کلیسای خدا از مردگان قیام می‌کنید و تا ابدالابد با شادی زیست خواهید نمود.
 - بنگرید! زحمات شما لحظه‌ای می‌باشند. آنها فقط محدود به این زمان هستند و در عصر آینده جایی ندارند.
 - بنگرید! زحمات شما سبک هستند و در مقایسه با لذت و خوشی که پیش‌رو است هیچ می‌باشند.
 - بنگرید! این زحمات بار جاودانی جلال را برایتان به ارمغان می‌آورند که با آن رنج و زحمت قابل قیاس نمی‌باشد.
- پس بنگرید! تمرکز کنید! تأمل کنید! به این چیزها بیندیشید! کلام خدا را باور کنید و همه اینها سبب خواهد شد که دلسرد و خسته‌خاطر نشوید، بلکه باطنتان روز به روز تازه گردد.

جان پای‌پر

www.MahfeleEnjil.com